

عوامل موثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان مطالعه موردی دانشگاه‌های (آزاد، پیام نور و غیر انتفاعی)

فاطمه باقری حیدری*

(تاریخ دریافت ۹۳/۱۰/۲۴، تاریخ پذیرش ۹۴/۱۰/۰۹)

چکیده: تعاملات و روابط بین دانشجویان و استادان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های ساختار اجتماعی علم به شمار می‌آید. هدف از این مقاله بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان می‌باشد. عرصه‌های مختلف تعاملاتی با توجه به نظریه‌های جامعه‌شناسی علم و با چارچوب نظری بوردیو، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش که از نوع تحقیقات پیمایشی بوده، جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه و انجام گرفته است. واحد تحلیل فرد و جمعیت آماری دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور، غیر انتفاعی و آزاد شهرستان پلدختر است. یافته‌های پژوهش در راستای تأیید نظریه بوردیو نشان می‌دهد موقعیت فرد در قلمرو اجتماعی علم با توجه به میزان ترکیب سرمایه‌های فرهنگی او تعیین می‌شود. تعاملات استادان و دانشجویان با میزان سرمایه‌های آن‌ها در بیرون و درون فضای آکادمیک رابطه مثبت و معناداری دارد.

مفاهیم کلیدی: تعاملات استاد و دانشجو، سرمایه فرهنگی فراآکادمیک، سرمایه فرهنگی آکادمیک.

طرح مساله

عناصر متعددی نظیر دانشمندان، دانشجویان، دانشگاه، نشریات دانشگاهی، کتاب‌ها، مراکز تحقیقاتی آکادمیک، ناشران دانشگاه، انجمن‌های علمی، قواعد، هنجارهای حاکم بر رفتارهای کنشگران درون اجتماع علمی، فرایندهای تولید علم مناسب، تعامل بین کنشگران و موقعیت‌های کنش‌های جمعی نظیر گردهمایی و سمینارهای علمی کنش‌های ارتباطی در ارتباطات سازمانی از قبیل کنش ابزاری، ارتباطی، گفتمانی و استراتژیک عمده‌ترین موجودیت‌های سازنده اجتماع علمی هستند (شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸۵: ۶۳). هر بررسی جامعه‌شناختی درباره اجتماع علمی یا تولید دانش باید یک یا مجموعه‌ای از این عناصر را به دقت بررسی کند. به هر جهت بررسی اجزای اجتماع علمی به صورت مجزا در ارتباط با بقیه عناصر آن راهی برای مطالعه اجتماع علمی و فرایندهای جاری در آن است. در ایران به برخی از این عناصر کم و بیش پرداخته شده است، از جمله این موضوعات ارتباطات و تعاملات در اجتماع علمی می‌باشد.

منظور از ارتباطات و تعاملات مزبور روابط و مناسبات دانشجویان با استادان در درون و بیرون از کلاس‌های درس است. این متغیر علاوه بر جنبه‌های عینی، براساس نگرش‌ها و تمایلات دانشجویان نیز ارزیابی می‌شود (قانعی راد، ۱۴: ۱۳۸۵).

با توجه به گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، اجتماعات علمی را می‌توان به دو نوع واقعی و مجازی تقسیم کرد. فناوری اطلاعات و ارتباطات با گسترش مناسبات اجتماعی غیر مستقیم نوعی از تعاملات به نام اجتماع علمی مجازی ایجاد کرده و گفت‌وگو و مبادلات علمی را به فضای مجازی کشانده است. اعضای اجتماعات علمی جایگاه و محل یکسانی ندارند، ولی از علایق مشترکی برخوردارند. همچنین اجتماعات علمی را بر حسب گستردگی و دامنه جغرافیایی آن به دو صورت موقعیت‌های محلی و شبکه‌های اجتماعی می‌توان بررسی کرد. در موقعیت‌های محلی تعاملات و ارتباطات رویارو رخ می‌دهد و مناسبات غیررسمی اهمیت دارد، ولی در شبکه‌ها ارتباطات غیر مستقیم و اغلب به شکل رسمی غلبه دارد. هر چند فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در جهان بیش از پیش به ظرفیت‌های اطلاع رسانی از طریق اینترنت و تعاملات همزمان کامپیوتری وابسته می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که ریشه‌های تکوین علم در کشور ایران را باید در وهله اول در روابط و تعاملات واقعی در اجتماع واقعی و موقعیت محلی، نه شبه اجتماع، جستجو کرد (نواح و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷).

وجود تعاملات و ارتباطات عمیق بین ذی نفعان آموزش در دانشگاه‌ها بیانگر جدی بودن آموزش و به‌طور کلی‌تر توسعه یافتگی رشته‌های علمی می‌باشد و ضعف مناسبات دانشگاهی برعکس با دیگر مشکلات رشته‌های علمی پیوند دارد. ارتباط دانشجویان با اساتید خود یکی از عرصه‌های با اهمیت و تاثیرگذار تعامل دانشگاهی است. اهمیت روابط اساتید با دانشجویان تاحدی است که آموزش عالی

بریتانیا با نمونه‌های دانشگاهی آکسفورد و کمبریج از طریق ایجاد ارتباطات غیررسمی استاد و دانشجو از سایر الگوهای آموزش عالی متمایز می‌شود (قانعی راد، ۱۳۸۵: ۴).

فراوانی، کمیت و استحکام تعامل‌های دانشجویان و اساتید تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر رشد و توسعه فکری دانشجویان دارد. در مطالعه پارسکارلا و ترنزینی (۱۹۸۰) فراوانی تماس‌های غیر رسمی بالاترین همبستگی جزئی را با نمرات دانشجویان نشان داده‌اند. براساس مطالعه بین و کوه نیز تعامل دانشجو و استاد بر موفقیت آکادمیک تاثیر می‌گذارد. تعاملات دانشجویان و اساتید دارای پیامدهای عاطفی نیز بوده و تاثیر زیادی بر رضایتمندی دانشجویان از جنبه‌های مختلف تجربه زندگی دانشگاهی آنان دارد. تعاملات دانشجویان و اساتید بر عوامل شخصیتی مثل پیچیدگی شناختی تاثیر می‌گذارد و برای بیشتر دانشجویان روابط شخصی با اساتید به طور معناداری احترام به خویش اجتماعی و ادراک خویش دانشجویان را بهبود می‌بخشد (واتکینز، ۱۹۹۲: ۱۶۰۸-۱۶۱۰).

ویلسون^۱ و همکاران در سال ۱۹۷۵ تاثیر ویژگی‌های دانشجویان بر تعامل آن‌ها با استادان در هشت دانشکده‌ی مختلف را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان با جهت گیری فکری عمل‌گرا و هنری با احتمال بیشتری با استادان در درون و بیرون از کلاس به گفت‌وگو می‌پردازند و در این گفت‌وگوها بیشتر موضوعات مورد علاقه خود را مطرح می‌کنند. دانشجویان با جهت‌گیری علمی یا حرفه‌ای که بیشترین انرژی را در خود صرف می‌کنند، رویکردی انفعالی‌تر به استادان و دروس خویش اتخاذ می‌کنند. این دانشجویان معمولاً "نمرات بالاتری به دست می‌آورند، ولی نه با نفوذ بر استادان یا تلاش برای تغییر قواعد؛ آن‌ها آمادگی یافته‌اند تا بر طبق قواعد بازی کنند (همان: ۱۶۱۱-۱۶۱۰)..

بر اساس گزارش آستین^۲ در سال ۱۹۷۷ دانشجویان دارای احترام به خویش، بیشتر با استادان در تعامل هستند. با وجود این، پاسکارلا^۳ در ۱۹۸۰ استدلال می‌کند که تجربه دانشجویان در دانشگاه بیشتر از صفات شخصیتی و ثابت آن‌ها بر تعاملشان با استادان تاثیر دارد. این دیدگاه با تحلیل اسنادی مددجویی دانشجویان بوسیله آموز و سینگ^۴ در ۱۹۸۲ تأیید می‌شود. آن‌ها در خصوص تصمیمات دانشجویان برای مددجویی از استادان بوسیله جلسات جبرانی قبل از یک امتحان اصلی، مطالعه‌ای میدانی را ترتیب داده‌اند. آموز و سینگ دریافتند که بیشتر دانشجویان مددجو در گذشته عملکرد بدی در امتحانات داشته‌اند و این نتایج نامطلوب را اسناد می‌دادند که از طریق جلسه جبرانی می‌توانستند برطرف شوند، و یا دانشجویانی بودند که اطلاعاتی را درباره ارزش

1. Willson
2. Astin
3. Amze and seing
4. Pascarella and trenzeini

جلسات مزبور دریافت کرده بودند. به اعتقاد آن‌ها قومیت نیز تماس دانشجویان با استاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استادان اغلب با دانشجویان اقلیت تماس کمتری دارند و از آن‌ها سؤالات ساده‌تری را می‌پرسند. برخی از رفتارهای غیرکلامی استادان ممکن است دانشجویان را به برقراری تماس با آن‌ها تشویق کند. پژوهشگران برای ۱۶۰ دانشجوی سخنرانی‌های ویدئویی با سبک بیان متفاوت را پخش کردند. دانشجویان تماس با سخنران دارای سبک آموزشی صمیمی را برای ارتباط با سخنران با سبک آموزشی ابزاری ترجیح دادند (همان: ۱۶۱۱-۱۶۱۰).

قانعی راد (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان "نقش تعاملات دانشجویان و استادان در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی" با بررسی تعاملات و ارتباطات بین دانشجویان و استادان به این مفهوم به عنوان یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های ارتباطات در آموزش عالی و به مثابه مهمترین سرمایه دانشگاهی اشاره کرده است. او با انجام این پژوهش به روش پیمایش و کاربرد ابزار پرسش‌نامه، مناسبات بین دانشجویان و استادان رشته علوم اجتماعی در دانشگاه‌های تربیت معلم، تهران، شهیدبهشتی، الزهرا و علامه طباطبایی را بررسی کرده و با مطالعه قلمروهای گوناگون ارتباطی با توجه به آرای جامعه‌شناسان علم به این نتیجه رسیده است که افزایش ارتباطات دانشجویان با استادان بر متغیر تحصیلی و روانشناختی از قبیل میزان پیشرفت تحصیلی، احساس غرور و اثربخشی دانشجویان تاثیرگذار است. همچنین در این پژوهش به اهمیت تعاملات و ارتباطات در بهبود فضای آموزشی و ارتقای یادگیری اشاره شده است.

نواح و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل موثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان" با روش پیمایشی به کمک نظریه بورديو به بررسی تعاملات بین دانشجویان و استادان در بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگرند و موقعیت فرد در قلمرو اجتماعی علم با توجه به میزان و ترکیب سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اوتعیین می‌شود و تعاملات دانشجویان با استادان با میزان سرمایه‌های آن‌ها در بیرون و درون فضای آکادمیک رابطه مثبت و معنادار دارد.

قدمی و همکاران (۱۳۸۶) عوامل موثر بر برقراری ارتباط بین دانشجو و استاد از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک را بررسی کردند. نتایج نشان داد که بعضی ویژگی‌های آموزشی استاد که نمایانگر مهارت‌های تدریس اوست و همچنین بعضی ویژگی‌های اخلاقی و فردی که نشانگر روابط انسانی است از دیدگاه دانشجویان در برقراری ارتباط، موثر تلقی شده است. ایشان ارائه کارگاه‌های آموزشی برای بهبود این ارتباط را توصیه نمودند. عابدینی و همکاران (۱۳۹۱) عوامل موثر در برقراری ارتباط بین دانشجو و استاد از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند را بررسی کردند، نتایج مطالعه نشان داد که شخصیت و جنبه‌های اخلاقی استاد، در کنار

دانشته‌های علمی و نحوه تدریس وی، می‌تواند در بهبود روابط بین استاد و دانشجو و در نتیجه افزایش و بهبود فرایند یاددهی و یادگیری موثر باشد.

در پژوهشی باعنوان "سرمایه فرهنگی به عنوان تبیین کننده تفاوت در مشارکت آموزش عال" محققان با برشمردن سرمایه فرهنگی به عنوان یک سازه برای تحلیل نابرابری‌ها در آموزش به آزمون این متغیر جامعه شناختی پرداختند. آن‌ها با در نظر گرفتن سرمایه فرهنگی در قالب شغل و تحصیلات والدین و بخش میزان سرمایه فرهنگی فرد به این نتایج دست یافتند که سرمایه فرهنگی می‌تواند به عنوان عاملی موثر و مهم در مشارکت دانشجویان در همکاری‌شان در دانشگاه لحاظ شود (نوبل و دیویس، ۲۰۰۸).

در ایران ضعف روابط استاد با دانشجو به‌طور فراگیر در کلیه رشته‌های دانشگاهی دیده می‌شود. فقدان مناسبات ارتباطی در بین دانشجویان با اساتید به نوبه خود بر ایجاد و گسترش مشکلات دیگر دانش دامن می‌زند و این فرایند دیر یا زود اساسی‌ترین کارکردهای آموزش عالی را به چالش خواهد کشید. در حال حاضر نیز برخی از پیامدهای این وضعیت قابل ردیابی می‌باشد؛ ورود به دانشگاه علی‌الاصول، می‌باید با تعمیق فرهنگ علمی در بین دانشجویان همراه باشد اما یافته‌ها، برخلاف انتظار، نشان می‌دهند که دانشجویان پس از ورود به دانشگاه بیشتر از حیث ارزش‌ها، باورها و رفتارهای مربوط به عرصه‌های خانواده، سیاست، و دین تغییر پیدا می‌کنند تا عرصه‌های علم. در حال حاضر شیوها و الگوهای تعاملاتی در دانشگاه‌ها با کارکردهای آن همخوانی ندارند (قانع‌ی راد، ۱۳۸۵: ۳).

با توجه به شواهد تجربی به دست آمده از چندین پژوهش در دانشگاه‌های ایران چندان به نقش‌های اساسی و اولیه آن- تولید دانش و بسته بندی و انتقال آن توسط کارگزاران دانش- اعم از استاد و دانشجو- است توجه نمی‌گردد. دانشجو پس از ورودش به دانشگاه تنها از حیث کنش‌های غیرآکادمیک- متحول می‌گردد و چندان نمی‌تواند به کارکردها و رسالت‌های اساسی دانشگاه که تولید دانش و انتقال آن و به عبارتی، کنش ارتباطی و گفتمانی است دست یابد (بهروان، ۱۳۸۳: ۴۸).

در پژوهش‌های داخلی انجام شده این نتایج به‌دست آمده است که در نظام آموزش عالی کنونی ایران، کارهای دانشجویان به صورت فردگرایانه و غیر جمعی صورت می‌گیرد. در حال حاضر، به دلیل عدم شکل‌گیری نقد و بررسی در یک فرایند دو طرفه و مورد قبول، افراد روحیه استبدادی دارند و اندیشه خود را عاری از خطا می‌دانند و در عین حال تمایل به تحکیم برتری و هم‌مونی اندیشه خود دارند، تعامل و روابط بین دانشجویان و اساتید فاقد مراکز گرم^۱ به تعبیر کالینز^۲ می‌باشد. فضای

1. Hot center
2. Collins

گفت‌وگو^۱ یا به عبارتی مشارکت کنشگران اجتماع علمی در گفت‌وگو و یا کشش و جاذبه آن‌ها به این گفت‌وگو چندان عمیق نمی‌باشد. فضای گفت‌وگو منفعلانه و دارای لایه‌های سرد می‌باشد (طایفی، ۱۳۸۶ و قانعی‌راد، ۱۳۸۵؛ مرجایی و طباطبایی، ۱۳۸۱).

به نظر می‌رسد در دانشگاه‌های ایران نقش کنش‌های متقابل روزمره و به عبارت گافمنی مراسم تعاملی کم‌رنگ می‌باشد. مثلاً در اغلب رشته‌های دانشگاهی در ایران ضعف ارتباطات و مبادلات علمی بین استاد و دانشجو وجود دارد (عبدالهی، ۱۳۷۵: ۲۱).

در ساختار اجتماعی محیط علمی ایران تعاملات و روابط بین استادان و دانشجویان به شکلی است که در آن روابط و تعاملات شکلی شکننده و زودگذر و ناپایدار دارند و ساختار اجتماعی در دانشگاه‌های معطوف به روابط و تعاملات نهادینه نشده می‌باشد (قاضی طباطبایی و مرجایی، ۱۳۸۰: ۳۲).

در اهمیت پژوهش حاضر می‌توان گفت در حال حاضر با توده ای شدن آموزش عالی، ارتباطات اساتید و دانشجویان روز به روز در حال کاهش است و می‌توان انتظار داشت که این فرایند به بحران در تربیت دانشجویان یا کیفیت آموزش بینجامد. همچنین از آسیب‌های فرایند توده‌ای شدن و ضعف تعاملات در میدان‌های دانشگاهی این است که دانشجویان بیش از پیش ارتباطات علمی، اخلاقی و عاطفی خود با اساتید را از دست می‌دهند و حداکثر این که توجه خود را به کتاب و نوشته‌ها معطوف می‌کنند (قانعی راد، ۱۳۸۵: ۲۶). بنابراین الگویابی و تأثیرپذیری از اساتید و تأثیر آن بر شور و انرژی عاطفی دانشجویان برای گسترش افق‌های دانش را از دست خواهند داد این پیامدها می‌تواند به نوعی به اهمیت پژوهش حاضر اشاره داشته باشد.

با توجه به طرح مسأله مذکور هدف اصلی این پژوهش توصیف و تبیین ارتباطات و تعاملات دانشجویان با استادان در دانشگاه‌های (آزاد، پیام نور و غیرانتفاعی) می‌باشد و به دنبال پاسخ به این پرسش است که وضعیت ارتباط و تعاملات دانشجویان با استادان چگونه است؟ و عوامل تأثیرگذار بر آن کدامند آیا این عوامل تنها از درون فضای آکادمیک برمی‌خیزد یا عوامل برونی فضای آکادمیک؟ علاوه بر این هدف کلی مجموعه‌ای از اهداف فرعی زیر نیز مورد توجه این پژوهش قرار دارند:

- بررسی میزان تعاملات دانشجویان با استادان در دانشگاه‌های مزبور

- بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی آکادمیک دانشجو با میزان تعاملات دانشجویان با استادان

- بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی والدین دانشجو با میزان تعاملات دانشجویان با استادان

- بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی فراآکادمیک دانشجو با میزان تعاملات دانشجویان با استادان

رویکردهای مفهومی و نظری

ارتباطات و تعاملات استادان و دانشجویان را می‌توان با دو مفهوم "سازمان" و "اجتماع علمی" مورد مطالعه قرار داد. مفهوم اجتماع علمی امکان بررسی مناسبات کارگزاران دانش را در پرتو مولفه‌های اعتماد، هنجارهای مشترک، انسجام و هویت فراهم می‌سازد. اجتماعات علمی برحسب گستردگی و دامنه جغرافیایی آن به دو صورت موقعیت محلی و شبکه اجتماعی وجود دارند و موقعیت‌های محلی بر اساس تعاملات رویاروی و وجود مناسبات غیر رسمی در کنار روابط رسمی شکل می‌گیرد ولی در شبکه‌های اجتماعی ارتباطات نارویاروی و غیر مستقیم غلبه دارد (قانع‌ی راد، ۱۳۸۵: ۷). این مقاله نیز با توجه به ساختارهای علمی موجود در حدود مکانی مورد مطالعه بیشتر به موقعیت‌های محلی به‌جای شبکه‌های پژوهشی، بازارگرا و برون‌گرا مفهوم درون‌گرتری از اجتماع علمی را به کار می‌گیرد. ترجیحات نظری آن عبارتند از: تاکید بر اجتماع علمی در مقابل سازمان علمی، تاکید بیشتر بر اجتماع واقعی در مقابل اجتماع مجازی و توجه به موقعیت محلی در مقابل شبکه‌های اجتماعی، و متناسب با وضعیت علم در ایران بر جنبه‌های اجتماعی، واقعی، رویاروی و محلی تاکید شده است.

در این مقاله برای تبیین مسئله تعاملات و روابط دانشجویان با استادان از نظریه پیر بوردیو استفاده شده است. مفهوم فضا نقطه عزیمت بسیار مهمی برای تدارک تفسیرهای بوردیو از جامعه است، زیرا فضای اجتماعی در واقع اولین و آخرین واقعیت است. فضای اجتماعی صرفاً تجمعی از افراد نیست (توسلی، ۱۳۸۳: ۶). فضای اجتماعی توزیعی از منابع و اعمال متجسد^۱ یا آرایشی از مقام‌های اجتماعی متفاوت است. این فضای اجتماعی که جایگاه رقابتی شدید و بی‌پایان است باعث می‌شود که در جریان این رقابت‌ها تفاوت‌هایی ظهور کند که ماده و چارچوب لازم برای هستی (هویت) اجتماعی را فراهم می‌آورند. فضای اجتماعی موجودیتی یکپارچه است که در آن مدل‌های کوچک متمایزی از قاعده‌ها، مقررات و اشکال قدرت وجود دارد (شارع پور و فاضلی، ۱۳۸۵: ۲۹).

فضای اجتماعی به منزله یک کلیت در قالب تعدادی میدان‌های^۲ فعالیت متفاوت سازمان یافته است و جایگاه‌های یک میدان ممکن است به دلیل شباهت یا هم‌وزنی با مقام‌های میدانی دیگر مرتبط می‌شوند (شارع پور و فاضلی، ۱۳۸۵: ۳۶). بوردیو تلقی جامعه به منزله مجموعه‌ای از افراد، با واحدهای ارگانیک، یا سیستم‌های اجتماعی را رد می‌کند. در عوض، از حوزه‌ها یا میدان‌های اجتماعی سخن می‌گوید. همچنین اصرار دارد که هر میدانی به نوع خاصی از سرمایه یا منابع اهمیت می‌دهد.

1. Embedded
2. Field

برای مثال، سرمایه فرهنگی^۱ یا دانش و صلاحیت درحوزه آکادمیک بیش از اقتصاد ارزشمند تلقی شده و عاملی کلیدی در تلاش برای کسب برتری به حساب می‌آید (سیدمن، ۱۳۸۷: ۱۹۸).

بورديو ميدان را، طبق تعريف، عرصه‌ای برای مبارزه و نبرد با مردمی تلقی می‌کند که مناصبی را درون میدان‌ها اشغال می‌کنند و خواه به مثابه افراد، خواه جمع‌ها برای دفاع از مناصب کنونی‌شان یا بهتر کردن آن برنامه‌ریزی شده‌اند. ساختار میدان هم در شالوده راهبردهای به کار رفته برای محافظت از مناصب یا بهتر کردن آن‌ها قرار دارد و هم آن راهبردها را هدایت می‌کند (ریترز، ۱۳۸۹: ۳۱۷-۳۳۲). این میدان‌ها واجد اتصالات درهم پیچیده هستند و علاوه بر تقاطع و هم‌پوشانی اثرات همدیگر را تقویت می‌کنند. بورديو معتقد است با وجود این که دامنه و واقعیت میدان‌های اجتماعی بسیار عظیم است، اما شناخت برخی ویژگی‌های عام آن‌ها امکان پذیر است. میدان‌ها، صحنه مبارزه برای مالکیت و بازآفرینی منابعی هستند که مختص آن‌هاست. این منابع - که بورديو آن‌ها را سرمایه می‌نامد - "مقولات وضعی" قدرت اجتماعی هستند. این منابع و سرمایه‌ها بدون نظم و ترتیب ناموزون در میان مقام‌های گوناگون یک میدان پخش می‌شوند و شالوده مناسبات سلطه و تبعیت و مبارزه علیه سلطه را در درون یک میدان را تشکیل می‌دهد. کسانی که مقام‌های اجتماعی را در اشغال دارند مزیت دسترسی به منابع را در اختیارشان قرار می‌دهد، قادر می‌شوند بر میدان سلطه یابند و پاداش‌هایی را که میدان عرضه می‌دارد به دست می‌آورند (شارع‌پور و فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۹).

بورديو معتقد است که ساختار اجتماعی یک جامعه پیشرفته را نمی‌توان تنها با بیان سلسله مراتبی ساده درآمد و سرمایه اقتصادی تحلیل کرد. بلکه ساختار اجتماعی چنین جوامعی فضای اجتماعی^۲ پیچیده‌ای است که در آن انواع سرمایه‌ها بر اساس موقعیت اجتماعی گروه‌های اجتماعی توزیع شده است (ونگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۱۶). از نظر بورديو (۱۹۸۵) هر نوع دارایی، منابع یا کالاهایی که در جامعه دارای ارزش باشند می‌تواند نوعی سرمایه محسوب شود (اسوارتز، ۱۹۹۶: ۷). بورديو در مقاله‌ای با عنوان "انواع سرمایه" از چهار نوع سرمایه یاد می‌کند: ۱. سرمایه اقتصادی (پول، دارایی) ۲. سرمایه فرهنگی (دانش، مهارت و مدارک تحصیلی که نهادهای آموزشی آن‌ها را تولید می‌کنند) ۳. سرمایه اجتماعی (روابط و تعاملات افراد و عضویت در یک گروه) ۴. سرمایه نمادین (صلاحیت، اعتبار) در میان اشکال متفاوت سرمایه، سرمایه اقتصادی و فرهنگی مناسب ترین معیارهای تمایز گذاری را به منظور بر ساختن فضای اجتماعی در جوامع فراهم می‌کنند (بورديو، ۱۹۸۶: ۱۰). بنابر استدلال بورديو سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگرند. فضای اجتماعی، نوعی فضای چند بعدی از مختصات است که در آن ارزش‌ها تناسب متغیری دارند. در این خصوص عاملان

-
1. Cultural capital
 2. Social space
 3. Wang

(دانشجویان) در این فضا در بعد اول براساس حجم کلی سرمایه در اختیار و در بعد دوم بر اساس ترکیب سرمایه‌شان- وزن نسبی مجموع فضاهای متفاوتی که در اختیار دارند- توزیع می‌شوند (نواح و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰).

باین تفاسیر و با توجه به تداخل و اتصالات میدان‌های اجتماعی از نظر بورديو به یکدیگر و وجود توان به کارگیری سرمایه‌ها از میدانی به میدان دیگر، می‌توان تعاملات و روابط دانشجویان با استاد را با عنایت به چارچوب تئوریک بورديو را این گونه تبیین کرد که دانشجویان با انباشت، حجم سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی زیادی که از طریق خانواده و عاملان دیگر سرمایه گذاری کرده و آن را انباشته‌اند، وارد فضای علمی می‌شوند و به سهولت می‌توانند این ترکیب و حجم سرمایه‌ها را به نوع سرمایه‌های موجود در فضای علم- سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی (تعاملات و ارتباطات با سایر کارگزاران حوزه علم)- تبدیل کنند و فرایند باز تولید سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی را استمرار بخشند (نواح و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰).

در میدان دانشگاهی، دانشجویان و اساتید نه بر مبنای آگاهی و فرمان برداری با دانش کامل از واقعیت‌ها، بلکه طبق نظامی از ترجیحات اندوخته، تقسیم‌بندی ساختارهای شناختی پایدار و طرح‌های کلی و ترتیبات کنشی مشترک در گروه اجتماعی، عمل می‌کنند (ریزند، ۲۰۱۱: ۱۸۹). براساس الگوی نظریه بورديو به عنوان چارچوب اصلی، فرضیه‌های زیر با لحاظ کردن تفاوت‌های دانشگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

-متغیرهای زمینه‌ای (سن و جنس) بر میزان روابط دانشجویان با اساتید تاثیرگذار است.

-نوع دانشگاه (آزاد، پیام نور، غیر انتفاعی) بر میزان روابط دانشجویان با اساتید تاثیرگذار است.

-میزان سرمایه فرهنگی آکادمیک دانشجویان بر روابط آنان با استادان تاثیرگذار است.

-میزان سرمایه فرهنگی والدین دانشجویان بر روابط آنان با استادان تاثیرگذار است.

-میزان سرمایه فرا آکادمیک دانشجویان بر روابط آنان با استادان تاثیرگذار است.

روش پژوهش

تعریف مفاهیم: مهمترین متغیرهای این مقاله عبارتند از تعاملات دانشجویان با استادان، سرمایه فرهنگی فرا آکادمیک، سرمایه فرهنگی آکادمیک، و سرمایه فرهنگی والدین که آن را به ترتیب زیر می‌توان تعریف کرد:

تعاملات دانشجویان با اساتید: این متغیر به عنوان متغیر وابسته دارای دو بعد مفهومی و عملیاتی می‌باشد. در تعریف مفهومی منظور از تعاملات مزبور روابط، مناسبات دانشجویان با

استادان در درون و بیرون کلاس‌های درس است. این متغیر بر علاوه بر جنبه‌های عینی، بر اساس نگرش‌ها و تمایلات دانشجویان نیز ارزیابی می‌شود (نواح و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲).

در تعریف عملیاتی تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان، از میزان تاثیر پذیری فکری در حوزه رشته تحصیلی، روش‌های آموزشی شخصی، میزان پسندیدن منش و رفتار استادان، روحیه همکاری آن‌ها با دیگر استادان، میزان اثرگذاری آن‌ها بر دیگر استادان گروه، میزان ترغیب دانشجویان به انجام دادن کارهای گروهی، میزان موفقیت استادان در پرورش توانایی دانشجویان برای حل مسائل علمی، مشاوره تحصیلی، میزان ترغیب دانشجویان به انجام کارهای گروهی توسط آن‌ها، میزان توبیخ و تنبیه توسط استادان، میزان موفقیت استادان در پرورش توانایی حل مسئله، میزان آگاهی استادان از مسائل علمی، میزان صمیمیت با استادان، تعداد دفعات کسب مشاوره تحصیلی و غیر تحصیلی، استفاده شده است. این متغیر در سطح فاصله‌ای به کمک طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است.

سرمایه فرهنگی: تمامی تحقیقاتی که در رابطه با سرمایه فرهنگی انجام شده است، از سه شیوه برای سنجش سرمایه فرهنگی استفاده کرده‌اند: الف) سنجش میزان دانش و فعالیت‌های هنری شرکت‌کنندگان در پژوهش ب) سنجش میزان دانش و فعالیت‌های هنری والدین شرکت‌کنندگان در پژوهش، ج) سنجش میزان دانش و فعالیت‌های هنری شرکت‌کنندگان در پژوهش و والدین‌شان.

سرمایه فرهنگی فراآکادمیک به مجموعه کالاها، ابزار و وسایل فرهنگی اشاره دارد که دانشجو و والدین او در خارج از فضای آکادمیک از آن برخوردارند. برای عملیاتی کردن این متغیر از گویه‌های تماشای برنامه‌های علمی تلویزیونی، تماشای برنامه‌های سرگرم کننده از تلویزیون، رفتن به گالری‌های هنری و موزه‌ها، رفتن به تئاتر، رفتن به کنسرت‌های موسیقی، گوش دادن به موسیقی، دنبال کردن وقایع جاری از طریق تلویزیون، دنبال کردن وقایع جاری از طریق رادیو، دنبال کردن وقایع جاری به وسیله خواندن روزنامه‌ها، دنبال کردن وقایع جاری از طریق ماهواره، خواندن کتاب‌های داستان استفاده شده است. این متغیر در سطح فاصله‌ای با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده است (نواح و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲).

سرمایه فرهنگی آکادمیک: به مجموعه کالاها، ابزار، وسایل دانش و ثروت‌های نمادینی اشاره دارد که افراد -دانشجویان- در دانشگاه از آن‌ها برخوردارند. برای عملیاتی کردن این متغیر از گویه‌های خرید و مطالعه مجلات علمی و کتاب‌های رشته تخصصی خود، مطالعه در سالن‌ها و پژوهشکده‌های داخل و خارج دانشگاه، شرکت در همایش‌های علمی رشته خود در خارج و داخل دانشگاه، شرکت در کارگاه‌های آموزشی دانشگاه، شرکت در انجمن‌های علمی و

ورزشی، شرکت در مسابقات علمی خارج و داخل دانشگاه، شرکت در سخنرانی‌ها و مناظره‌های علمی، در قالب طیف لیکرت استفاده شده است (همان منبع: ۳۳).

روش‌های جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این مقاله برای گردآوری اطلاعات و داده‌های لازم به منظور سنجش روابط اساتید و دانشجویان از پرسش‌نامه کتبی در قالب تعدادی سوالات بسته دو گزینه‌ای و چند گزینه‌ای (به روش طیف لیکرت) استفاده شده است. برای سنجش پایایی مقیاس‌های اصلی از روش همبستگی درونی گویه‌ها و آلفای کرونباخ استفاده شده. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار SPSS، و آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T، تحلیل واریانس (ANOVA) و رگرسیون چند متغیری برای تحلیل رابطه متغیرهای مورد نظر با متغیر وابسته (در مجموع و به‌طور جداگانه) استفاده شده است.

جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری: در پژوهش حاضر، جمعیت آماری شامل دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور آزاد و غیر انتفاعی پلدختر در سال تحصیلی ۱۳۹۱ می‌باشد، که از این جمعیت آماری ۳۴۰ نفری با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌های متناسب با حجم و فرمول کوکران حجم نمونه ۳۱۵ نفری در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های تحصیلی و فردی دانشجویان

از مجموع ۳۱۵ نفر شرکت‌کننده در پژوهش، ۶۲ نفر مرد می‌باشند که معادل ۱۹/۷ درصد کل شرکت‌کنندگان بوده و ۲۵۳ نفر زن می‌باشند که معادل ۸۰/۳ درصد کل شرکت‌کنندگان است. از ۳۱۵ نفر شرکت‌کنندگان، ۱۲۸ نفر دانشگاه خود را خود را پیام نور، ۹۴ نفر دانشگاه خود را خود را غیرانتفاعی و ۹۳ نفر دیگر دانشگاه خود را خود را آزاد پاسخ داده‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد که بیشترین تعداد دانشجو در بین شرکت‌کنندگان این تحقیق را دانشجویان دانشگاه پیام نور تشکیل می‌دهند، دامنه سنی در گروه نمونه، بین ۱۹ تا ۴۵ سال می‌باشد. میانگین سن شرکت‌کنندگان ۲۴/۸۰ سال، انحراف معیار آن ۳/۹۱ و واریانس سن شرکت‌کنندگان ۱۵/۳۲ می‌باشد.

جدول (۱) مربوط به نتایج آمار توصیفی متغیر وابسته (تعاملات دانشجویان با اساتید) می‌باشد. از بین شاخص‌های مرکزی به میانگین و از بین شاخص‌های پراکندگی به واریانس، انحراف معیار، حد بالا و پایین پرداخته است. میزان شاخص میانگین در بین دانشگاه‌های مورد بررسی (آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی) به ترتیب ۲/۲۳، ۳/۰۵ و ۲/۴۵ می‌باشد که نشان می‌دهد میزان تعاملات و ارتباطات

دانشجویان با اساتید دانشجویان در دانشگاه پیام نور از وضعیت به نسبت بهتری از بقیه دانشگاه‌ها برخوردار است.

جدول شماره (۱). تعاملات دانشجویان با اساتید برحسب نوع دانشگاه

تعداد	حدبالا	حدپایین	میانگین	انحراف معیار	واریانس	تعاملات دانشجویان با اساتید
۹۳	۵۳/۴	۴۰/۱	۲۳/۲	۵۶/۰	۰/۳۱	دانشگاه آزاد
۱۲۸	۱	۵	۳/۰۵	۰/۷۵	۰/۵۷	پیام نور
۹۴	۴/۶۰	۱/۶۷	۲/۴۵	۰/۶۰	۰/۳۷	غیر انتفاعی

جدول شماره (۲). متغیر سرمایه فرهنگی آکادمیک

تعداد	حدبالا	حدپایین	میانگین	انحراف معیار	واریانس	سرمایه فرهنگی آکادمیک
۹۳	۵,۰۰	۱/۵۸	۲,۲۶	۰,۶۶۸	۰,۴۴۷	دانشگاه آزاد
۱۲۸	۵,۰۰	۱,۷۵	۳,۵۸	۰,۸۵۸	۰,۷۳۶	پیام نور
۹۴	۴,۷۵	۱,۵۸	۲,۴۹	۰,۷۹۶	۰,۶۳۵	غیر انتفاعی

جدول (۲) مربوط به نتایج آمار توصیفی متغیر سرمایه فرهنگی آکادمیک می‌باشد. میزان شاخص میانگین در بین دانشگاه‌های مورد بررسی (آزاد، پیام نور و غیرانتفاعی) به ترتیب ۲/۲۸، ۳/۵۸ و ۲/۴۹ می‌باشد که نشان می‌دهد میزان سرمایه فرهنگی آکادمیک در دانشگاه پیام نور از وضعیت به نسبت بهتری از بقیه دانشگاه‌ها برخوردار است.

جدول شماره (۳). متغیر سرمایه فرهنگی فرا آکادمیک دانشجویان

تعداد	حدبالا	حدپایین	میانگین	انحراف معیار	واریانس	سرمایه فرهنگی فرا آکادمیک دانشجویان
۹۳	۳/۳۸	۱/۵۶	۲/۰۷	۰,۲۵۷	۰,۰۶۶	دانشگاه آزاد
۱۲۸	۳/۸۸	۱/۲۵	۲/۵۱	۰,۵۵۶	۰,۳۰۹	پیام نور
۹۴	۳/۶۳	۱/۶۷	۲/۲۳	۰,۴۱۲	۰,۱۷۰	غیر انتفاعی

جدول (۳) مربوط به نتایج آمار توصیفی متغیر سرمایه فرهنگی فرا آکادمیک دانشجویان می‌باشد. میزان شاخص میانگین در بین دانشگاه‌های مورد بررسی (آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی) به ترتیب ۲/۰۷، ۲/۵۱ و ۲/۲۳ می‌باشد که نشان می‌دهد میزان سرمایه فرهنگی فراآکادمیک دانشجویان در دانشگاه پیام نور از وضعیت به نسبت بهتری از بقیه دانشگاه‌ها برخوردار است.

جدول شماره (۴). سرمایه فرهنگی والدین دانشجویان بر حسب نوع دانشگاه

تعداد	حد بالا	حد پایین	میانگین	انحراف معیار	واریانس	سرمایه فرهنگی والدین
۹۳	۴/۰۰	۱/۶۹	۲/۲۷	۰/۳۳۱	۰/۰۱۱	دانشگاه آزاد
۱۲۸	۴/۱۳	۱/۳۱	۲/۴۷	۰/۵۵۳	۰/۳۰۷	پیام نور
۹۴	۳/۸۸	۱/۶۳	۲/۲۶	۰/۴۱۴	۰/۱۷۲	غیر انتفاعی

جدول شماره (۴) مربوط به نتایج آمار توصیفی متغیر سرمایه فرهنگی والدین دانشجویان می‌باشد. میزان شاخص میانگین در بین دانشگاه‌های مورد بررسی (آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی) به ترتیب ۲/۲۷، ۲/۴۷ و ۲/۲۶ می‌باشد که نشان می‌دهد میزان سرمایه فرهنگی والدین دانشجویان در دانشگاه پیام نور از وضعیت به نسبت بهتری از بقیه دانشگاه‌ها برخوردار است.

یافته‌های تبیینی

جدول شماره (۵). آزمون T مربوط به رابطه بین متغیر جنسیت و تعاملات دانشجویان و اساتید

جنس	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
مرد	۶۲	۲,۶۷۱۹	۰,۷۱۹۵۹	۱,۲۳۸	۰,۲۱۷
زن	۲۵۳	۲,۵۴۵۳	۰,۷۲۲۳۳		

در این پژوهش بین متغیر جنسیت و تعاملات دانشجو با استاد رابطه معنی‌دار وجود ندارد ($\text{sig} > 0/05$). به این صورت که تعاملات دانشجو با استاد در بین دو جنس با هم تفاوتی ندارد و فرضیه مورد نظر رد می‌شود.

در این تحقیق برای آزمون رابطه بین دانشگاه و تعاملات دانشجویان با اساتید از آزمون آنالیز واریانس (آزمون F) استفاده کرده‌ایم. سطح معنی‌داری ($\text{sig} = 0/000$), ($F = 41/017$) محاسبه گردیده است. از آن جایی که سطح معنی‌داری از سطح معنی‌داری مورد نظر، ($\alpha = 0/05$) کوچکتر است.

بنابراین، می‌توان گفت، بین تمام دانشگاه‌های مورد بررسی (آزاد، غیر انتفاعی، و پیام نور) با یکدیگر براساس آزمون پس از واقعه شفه از نظر تعاملات دانشجویان با اساتید تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره (۶). آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه بین نوع دانشگاه و تعاملات دانشجویان با اساتید

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات SSF	میانگین مجذورات MSF	مقدار F	سطح معنی‌داری
میان‌گروهی	۲	۳۴,۱۱۶	۱۷,۰۵۸	۴۱/۰۱۷	۰/۰۰۰
درون‌گروهی	۳۱۲	۱۲۹,۷۵۴	۰,۴۱۶		
کل	۳۱۴	۱۶۳,۸۶۹			

جدول شماره (۷). ضریب همبستگی پیرسون: رابطه بین سن و تعاملات و ارتباطات دانشجویان و اساتید

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد
-۰/۲۸۶	۰/۰۰۰	۳۱۵

بررسی ضریب همبستگی بین متغیر زمینه‌ای سن و تعاملات دانشجویان با اساتید نشان می‌دهد که رابطه این دو متغیر با توجه به سطح معناداری و ضریب همبستگی به‌دست آمده تایید می‌شود. به‌طوری‌که هر چه سن افراد بالاتر باشد تعاملات آن‌ها با اساتید کمتر است.

در این پژوهش برای آزمون متغیرهای مستقل اصلی پژوهش و متغیر وابسته از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که در ماتریس (جدول شماره ۸) نمایش داده شده است. برای بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته، ابتدا با استفاده از ترکیب معرف‌های هر متغیر یک متغیر کلی ساخته شد. سپس بین تمامی متغیرها رابطه برقرار شد و همبستگی آن‌ها با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت. این روابط همبستگی به‌صورت ماتریس در جدول شماره ۸ آورده شده است. همان‌طور که نتایج جدول نشان می‌دهد بین تمامی متغیرهای جدول با یکدیگر رابطه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچقدر میزان سرمایه‌های دانشجو افزایش می‌یابد به میزان تعاملات و ارتباطات او با استادان افزوده می‌شود.

جدول شماره (۸). ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته

شاخص‌ها	تعاملات دانشجویان با اساتید	سرمايه فرهنگي شخصي فرا آكادميك	سرمايه فرهنگي آكادميك	سرمايه فرهنگي والدين	تعاملات	
					ضريب پيرسن	سطح معني داري
دانشجویان با اساتید	۱				ضريب پيرسن	سطح معني داري
	۰۰۰				تعداد	۳۱۵
	۳۱۵				ضريب پيرسن	۰,۳۲۳ (**)
سرمايه فرهنگي شخصي فرا آكادميك	۰,۳۲۳ (**)	۱			سطح معني داري	۰,۰۰۰
	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰			تعداد	۳۱۵
	۳۱۵	۳۱۵			ضريب پيرسن	۰,۷۴۸ (**)
سرمايه فرهنگي آكادميك	۰,۷۴۸ (**)	۰,۳۶۴ (**)	۱		سطح معني داري	۰,۰۰۰
	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰		تعداد	۳۱۵
	۳۱۵	۳۱۵	۳۱۵		ضريب پيرسن	۰,۱۲۲ (*)
سرمايه فرهنگي والدين	۰,۱۲۲ (*)	۰,۴۸۸ (**)	۰,۲۳۳ (**)	۱	سطح معني داري	۰,۰۳۰
	۰,۰۳۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	تعداد	۳۱۵
	۳۱۵	۳۱۵	۳۱۵	۳۱۵	ضريب پيرسن	۰,۳۶۴ (**)

* همبستگی در سطح ۰/۹۵، می باشد ** همبستگی در سطح ۰/۹۹، می باشد.

جدول ۹. تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

مدل	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری F	رگرسیون چندگانه	R ²
رگرسیون	۵	۹۴,۳۹۳	۱۸,۸۷۹	۸۳/۹۶۳	۰/۰۰۰	۰/۷۵۹	۰/۵۷۶
باقیمانده	۳۰۹	۶۹,۴۷۷	۰,۲۲۵				
کل	۳۱۴	۱۶۳,۸۶۹					

نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که ضریب تعیین تعدیل شده برابر $R^2 = ۰/۵۷۶$ می‌باشد یعنی ۵۷/۶ درصد از کل تغییرات متغیر (تعاملات استادان و دانشجویان) وابسته به سرمايه فرهنگي والدين، سرمايه فرهنگي آكادميك دانشجویان و سرمايه فراآكادميك دانشجویان می‌باشد. به عبارت دیگر مجموعه متغیرهای سرمايه فرهنگي والدين، سرمايه فرهنگي آكادميك دانشجویان و سرمايه فرهنگي فراآكادميك دانشجویان نزدیک به ۵۷/۶ درصد از واریانس متغیر هویت دانشگاهی را برآورد می‌کنند. همچنین با توجه به معنی‌داری ($f = ۸۳/۹۶۳$) در سطح خطای کوچکتر از (۰/۰۰۰) می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون تحقیق مرکب از سه متغیر (سرمايه فرهنگي آكادميك دانشجویان، سرمايه فرهنگي والدين و سرمايه فرهنگي فرا آكادميك دانشجویان) و یک

متغیر وابسته (تعاملات استادان و دانشجویان) مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

جدول (۱۰). رگرسیون تعاملات دانشجویان با اساتید و متغیرهای مستقل

متغیرها	شاخص‌ها	b	اشتباه استاندارد	Beta	مقدار T	سطح معناداری
سرمايه فرهنگي والدين	۰,۱۷۱	۰,۰۶۹	۰,۱۰۶	۲,۴۷۶	۰,۰۱۴	
سرمايه فرهنگي فراآكادميك دانشجو	۰,۱۴۶	۰,۰۷۲	۰,۰۹۳	۲,۰۳۶	۰,۰۴۳	
سرمايه فرهنگي آكادميك	۰,۵۷۳	۰,۰۴۷	۰,۷۵۵	۱۲,۱۳۸	۰,۰۰۰	

شکل کلی معادله پیش بینی نهایی با توجه به نتایج جدول ۱۰ به صورت زیر می‌باشد:

$$Y=b1(x1)+b2(x2)+b3(x3)$$

ارقام مندرج در معادله بالا به این معناست با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در سرمایه فرهنگی آکادمیک میزان تعاملات و روابط دانشجویان با اساتید به اندازه ۰/۷۵ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد، علاوه بر این با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در سرمایه فرهنگی فراآکادمیک دانشجو میزان تعاملات آن‌ها با استادان به اندازه ۰/۰۹ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد و در آخر با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیر سرمایه فرهنگی والدين میزان تعاملات و روابط دانشجویان با استادان به اندازه ۱/۰ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. در این معادله به خاطر این که ضرایب استاندارد شده‌اند، به خوبی می‌توان به نسبت تأثیر هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته پی برد. در این جا ملاحظه می‌شود که سرمایه فرهنگی آکادمیک در مقایسه با سرمایه فرهنگی والدين و سرمایه فرهنگی فراآکادمیک دانشجو سهم بیشتری در تبیین متغیر تعاملات و روابط دانشجویان با اساتید دارد.

نتایج تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان در شرایط کنونی ایران بود. به منظور بررسی ابعاد مسئله و مکانیسم‌های تأثیرگذاری آن، از نظریه پیر بوردیو الهام گرفته شده و با توجه به داده‌های بدست آمده از پیمایش، با استفاده از آزمون‌های مختلف آماری، مدل توسعه داده شده و روابط بین سازه‌های آن مورد آزمون قرار گرفته و در نهایت نیکویی برازش آن مشخص شد. بدین صورت فرضیات اصلی تحقیق مورد آزمون واقع شده و نتایج زیر به دست آمد؛

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان گفت که بین متغیرها زمینه‌ای و تعاملات و روابط دانشجویان با اساتید رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیق نواح و همکاران (۱۳۹۰) در تناقض است. در تبیین این امر می‌توان گفت که نمونه پژوهش نواح و همکاران در یک دانشگاه جمع‌آوری گردیده در حالی که پژوهش حاضر مقایسه سه دانشگاه با سه نوع شیوه‌ای آموزشی متفاوت بوده است. علاوه بر این امر عوامل فرهنگی در دانشگاه‌هایی که بومی‌گزینی بیشتری دارند مانند دانشگاه پیام نور، دانشگاه غیر انتفاعی و آزاد می‌تواند به عنوان یک عامل مداخله‌گر نتایج را تحت تاثیر قرار دهد.

در بررسی رابطه بین نوع دانشگاه و تعاملات دانشجویان با استادان، نتایج نشان داد که بین این دانشگاه‌ها از نظر تعاملات دانشجویان با اساتید تفاوت معنادار وجود دارد. همان‌طور که در بخش آمار توصیفی این تحقیق نشان داده شده است میانگین تعاملات دانشجویان با استادان در هر ۳ دانشگاه (آزاد، پیام نور و غیر انتفاعی) در وضعیت مسئله‌آمیزی قرار دارد که باید به این وضعیت توجه چشم‌گیری داشت. در تبیین یافته حاضر شاید بتوان مجموعه قوانین و ضوابط حاکم بر ساختار دانشگاه‌های آزاد، پیام نور و غیر انتفاعی به عنوان سلول‌های میدان دانشگاهی ایران در قالب آیین‌نامه‌ها، ضوابط و ویژگی‌های سازمانی، نوع مدیریت و توده‌ای بودن آموزش در این نوع دانشگاه‌ها را عامل تفاوت به حساب آورد همچنان که طبق چهار چوب نظری تحقیق، بورديو به دانشگاه‌ها به‌عنوان سلول‌های میدان دانشگاهی تاکید دارد. این نتیجه با نتایج تحقیق قانعی راد (۱۳۸۵) همخوانی دارد.

برای بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته، ابتدا با استفاده از ترکیب معرف‌های هر متغیر یک متغیر کلی ساخته شد. سپس بین تمامی متغیرها رابطه برقرار شد و همبستگی آن‌ها با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند بین تمامی متغیرهای با یکدیگر رابطه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچقدر میزان سرمایه‌های دانشجو افزایش یابد به میزان تعاملات و ارتباطات او با استادان افزوده می‌شود. نتایج یافته حاضر با یافته‌های نواح و همکاران هم‌خوانی دارد. با توجه به تداخل و اتصالات میدان‌های اجتماعی از نظر بورديو به یکدیگر و وجود توان به کارگیری سرمایه‌ها از میدانی به میدان دیگر، می‌توان این گونه تعاملات و روابط دانشجو با استاد را با عنایت به چارچوب تئوریک بورديو تبیین کرد. دانشجویان با انباشت، حجم سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی زیادی که از طریق خانواده و عاملان دیگر سرمایه‌گذاری کرده و آن را انباشته‌اند، وارد فضای علمی می‌شوند و به سهولت می‌توانند این ترکیب و حجم سرمایه‌ها را به نوع سرمایه‌های موجود در فضای علم - سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی (تعاملات و ارتباطات با سایر کارگزاران حوزه علم) - تبدیل کنند و فرایند باز تولید سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی را استمرار بخشید.

از طرف دیگر، بین سرمایه فرهنگی والدین دانشجو و تعاملات و ارتباطات او رابطه وجود دارد. بدین معنی که هرچقدر والدین دانشجو از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار باشند دانشجو نیز از میزان تعاملات و ارتباط بیشتری با استادان برخوردار می‌باشد. این یافته با یافته تحقیق نواح و همکاران (۱۳۹۰) تطابق دارد. از دید بورديو میدان‌ها واجد اتصالات درهم پیچیده هستند و علاوه بر تقاطع و هم‌پوشانی اثرات همدیگر را تقویت می‌کنند... دانشجویان با انباشت، حجم سرمایه‌های فرهنگی که از خانواده سرمایه گذاری کرده و آن را انباشته‌اند، وارد فضای علمی می‌شوند این سرمایه فرهنگی که دانشجویان با خوددارند بر تعاملات آنان با دیگر کارگزاران میدان دانشگاهی تاثیرگذار است پس این نتیجه در این گستره می‌گنجد.

در پژوهش حاضر رابطه بین سرمایه فرهنگی فراآکادمیک دانشجو با روابط و تعاملات او با استادان یکی دیگر از فرض‌ها این پژوهش بوده است. بدین معنی که هرچه بر سرمایه‌های فرهنگی فرد در خارج دانشگاه افزوده شود بر میزان تعامل او با اساتید افزوده می‌شود. بنابراین، بین سرمایه‌های فراآکادمیک دانشجو و ارتباطات او در ساختار اجتماعی علم رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیق نواح و همکاران (۱۳۹۰) قاضی طباطبایی و مرجانی (۱۳۸۱) همخوانی دارد. این یافته نیز از منظر دیدگاه بورديو قابل تبیین می‌باشد یعنی سرمایه‌های فرهنگی دانشجویان متأثر از سرمایه فرهنگی خارج دانشگاه می‌باشد. بنابراین، نتایج نشان داده است که بین متغیرهای مستقل - سرمایه فرهنگی آکادمیک و فراآکادمیک، سرمایه فرهنگی والدین دانشجو، - با یکدیگر رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد.

در تحقیقات دیگر که در حوزه تعاملات اساتید و دانشجویان صورت گرفته نیاز به انجام تحقیقی به صورت تطبیقی که عامل تفاوت دانشگاهی و تاثیر آن بر تعاملات اساتید و دانشجویان را بسنجد مورد تاکید قرار گرفته است (فانعی راد، ۱۳۸۵). پژوهش حاضر از این نظر توانسته یک مقایسه در مورد تعاملات اساتید و دانشجویان براساس تفاوت‌های دانشگاهی صورت دهد و به کاهش کاستی‌های پژوهش‌های گذشته تا حدودی کمک نماید.

با توجه به این که تحقیق حاضر در گستره دانشجویان یک شهرستان بوده، بنابراین تعمیم نتایج پژوهش حاضر به جامعه بایستی با احتیاط صورت پذیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده نمونه گسترده‌تری از دانشگاه‌های مختلف کشور انتخاب گردد تا تعمیم نتایج و قابلیت مقایسه نتایج فراهم گردد.

منابع

بهروان، حسین (۱۳۸۳)، نقش مشارکت‌های اجتماعی و فرهنگی و احساس تغییرات فرهنگی، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره ۲.

- توسلی، غلام عباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید، *نامه علوم اجتماعی*، شماره پیاپی ۲۶.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، *مبانی نظریه جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: ثالث.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۵)، *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- شارع‌پور، محمد و غلامرضا خوش‌فر (۱۳۸۱) "رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان" *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰.
- شارع‌پور، محمود و محمدفاضلی (۱۳۸۵)، کارکردهای انجمن‌های علمی دانشجویی، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره اول شماره ۲.
- عابدینی، محمدرضا و همکاران، عوامل موثر در ارتباط بین استاد و دانشجو، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*.
- عبدالهی، محمد (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی در ایران: نگاهی به گذشته، حال، آینده، *مجله رهیافت*، شماره ۱۳.
- قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۵)، *تعاملات و روابط در جامعه علمی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قاضی طباطبایی، محمود و ابوعلی ودادهیر (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی علم فناوری: تاملی بر تحولات اخیر جامعه‌شناسی علم، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۱.
- قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۵)، نقش تعاملات دانشجویان و اساتید در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۱.
- قدمی، احمد و همکاران (۱۳۸۶)، عوامل موثر بر برقراری ارتباط بین دانشجو و استاد از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*.
- مرجایی، هادی و محمود قاضی طباطبایی (۱۳۸۰)، بررسی عوامل موثر بر خود اثربخشی دانشجویان دانشگاهی، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۱۹.
- نواح، عبدالرضا؛ رضا دوست، کریم، پور ترکاری، محمد، بررسی عوامل موثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان و استادان، *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره ۱۸، شماره ۶۳.
- Bourdieu, P. 1986. "The forms of capital." In J. Richardson (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241–258). New York: Greenwood Press. www.gigapedia.com
- Bourdieu, P. 1985. "The market of symbolic goods." *Poetics*, 14, 13-44. www.sagepub.com

- Nobel, John and Peter Davis. 2008, "cultural capital of Variation in Participation in higher education" institute for Access Studies, Staffordshire University .www.isas.ac.ir
- Rezende F.(2011). "Dynamics of Identity in the Academic field and Implications to Science Students Identity formation". *Cultural Studies of Science Education* 6:187-192.
- Swartz, D. 1997. *Culture and Power: The Sociology of Pierre Bourdieu*, Chicago: The University of Chicago Press. www.sagepub.com
- Watkins, D. (1992). *FACULTY and student interaction*. GLARK, B.R. and Neave, G.R. (eds), encyclopedia of higher education. vol. 3, pp: 1614-1605 .oxford: pergamanpress. www.sagepub.com.